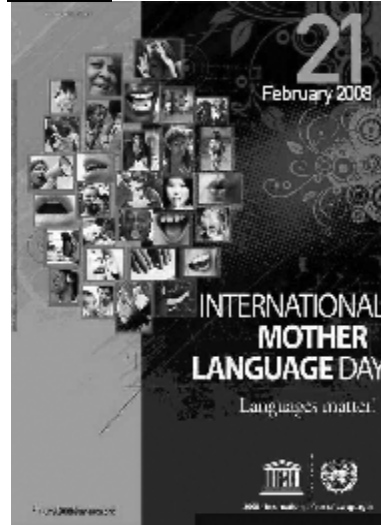


مقوله
بولاش

چرا امروز روز جهانی زبان مادری است؟

21 فوریه از سوی یونسکو بعنوان روز جهانی زبان مادری اعلام گشته که عملی در خور تقدیر می باشد.

حوادثی که باعث شد تا این روز بعنوان روز زبان مادری نامگذاری شد عبارت بودند از: در آگوست سال 1947 کشوری که هم اکنون پاکستان نامیده می شود از دو ایالت شرقی و غربی که 1600 کیلومتر از هم فاصله داشتند تشکیل شده بود. ایالت شرقی پاکستان که شامل اقلیت بنگالی بود و از لحاظ ادبیات میراث دار ادبیات چند هزار ساله و فرهنگ پیشرفته بنگالی بود. بنگالی ها علاقه خاصی به زبان و فرهنگشان داشتند در سال 1952 و به هنگام استعمار نو این میل و علاقه رو به فزونی گذاشت.



کشور دیگر گرامی داشته شد. به ابتکار سازمان ملل و سایر ارگانها برخی روزهای سال به مناسبت های مختلف روزهای جهانی نامیده شده اند. این امر برای برجسته ساختن برخی ارزشها، رویدادها و موضوعاتی است که هدف آن هشیار ساختن مردم جهان می باشد که نهایتاً منجر به ایجاد جهانی بهتر برای زندگی ساکنان آن شود. روزهایی از قبیل روز جهانی باسوادی، روز جهانی زنان، روز جهانی کودک، روز جهانی ریشه کنی تبعیض نژادی، روز جهانی آب شرب سالم، روز جهانی حفظ محیط زیست و ...

برخی روزهای جهانی با رویدادهای خاصی در برخی از کشورها ارتباط مستقیمی دارند پس از اعلام روز حاضر بعنوان روز جهانی این موضوع ویژه، توجه مردم سراسر گیتی به آن موضوع جلب شده و باعث نزدیکی ملتها بیکدیگر می شود.

در حدود 200 کشور در سراسر گیتی مردم مختلفی با زبانهای گوناگون با هم صحبت می کنند این روز را جشن می گیرند. اعلام این روز در نوامبر سال 99 از سوی یونسکو بعنوان روز جهانی زبان مادری باعث درخشش نقش بنگلادش در عرصه فرهنگ جهانی شده است.

براستی در قرن و هزاره جدید که به تازگی وارد آن شده ایم فرصت خوبی برای انجام این اعمال است.

بولاش



اؤز دیلینده مدرسه

اولمالیدیر هرکسه



زبان مادری یا «کیستی» یک ملت



زبان مادری پدیده بیرونی نیست، انسان با زبانش زاده می شود، در زبانش سیر میکند و در حریم زبانی خود تنفس می کند و می میرد زبان هر ملتی ظرف حضور آن ملت در کره خاکی است یعنی برای شناخت ملتی باید زبان او را شناخت. زبان مادری زبانی است که هر کودک می خواهد با آن اندیشه کند، بارور گردد، بیافریند و از طریق آن زبان اندیشه اش را به دیگران منتقل سازد. به همین دلیل است که زبان با هویت هر فرد چنان گره می خورد و درهم تنیده می شود که جزئی جدایی ناپذیر از «کیستی» او محسوب شده و جزء شاخصه های مهم ملی هر قومی و ملتی شمرده می شود، زبان مادری یک ملت با تأثیرپذیری از پارامترهای متعددی چون عوامل اجتماعی- سیاسی- تاریخی- فرهنگی روزبه روز متحول تر می شود.

ما در سرزمینی زندگی می کنیم که متعلق به اقوام و ملل مختلف است ولی همه اینها از حقوق و امکانات مساوی با دیگران بهره مند نیستند. زبان و ادبیات حاکم فارسی چون زبان تحت حمایت دولت مرتبا گسترش و توسعه یافته و باعث ایجاد ضعف و بی رنگ شدن سایر زبانها شده است. به عبارت دیگر اقلیت های زبانی در طول چندین دهه از تبعیض و نابرابری های گوناگون سیاسی- اجتماعی- اقتصادی- فرهنگی و ... مرتبا متضرر شده اند.

برابری همه زبانها، فرهنگها، ملیتها و اعطاء حقوق قومی، زبانی به ترکها- عربها- بلوچها- ترکمنها و ... از مطالبات اولیه و اصلی ملت هاست که همواره مورد بی توجهی عامدانه قرار گرفته است. به طوریکه ترکان ایران که بزرگترین واحد ملی این سرزمین را تشکیل می دهند، حق ندارند به زبان مادری خود آموزش ببینند، برای کودکان و محلهای کسبشان به راحتی نام ترکی بگذارند، نامهای تاریخی بسیاری از معابر و میادین آذربایجان هیچ رنگ و بویی از فرهنگ و ملیت ما ندارند.

این در حالی است که در سال 1999 سازمان ملل متحد، برای حمایت از زبان و فرهنگ ملل ستم دیده، روز 21 فوریه را به عنوان روز جهانی زبان مادری اعلام نموده است و غیر رسمی کردن زبان یک ملت را در واقع نفی اندیشه و خلاقیت خردگرایانه آن ملت عنوان کرده است. به اعتقاد ما دموکراسی به معنای واقعی زمانی می تواند به وجود آید که هر شهروند ایرانی متعلق به اقوام مختلف از حقوقی برابر برخوردار باشد. قدرت سانترالیستی یکپارچه مرکزی باید بین تمامی اقوام تقسیم شود تا آنها نیز از حق تعیین سرنوشت برای خود بهره مند باشند تا بتوانند در اموری چون قانونگذاری و مدیریت کلان جامعه مشارکت جویند. اکثر کشورهای جهان همچون کشور ما از نظر زبانی، فرهنگی، مذهبی، نژادی، قومی ساختاری متکثر دارند ولی چون در آن کشورها نهادهای حقیقی و حقوقی به معنای واقعی کلمه وجود دارد و مردم آن سرزمینها از نعمت دموکراسی و آزادی بهره مند هستند و حقوق قومیتها رعایت می شود، این مهم سبب می شود تا تمایلات بالکانیزه کردن در میان این کشورها به حداقل برسد.

چرا که این نحوه گرایشها در واقع زمانی مطرح و پررنگ می شود که نهادهای دموکراسی در آن جوامع وجود نداشته باشد و حقوق اقوام رعایت نشود و استبداد مذهبی حاکم بخواهد، هژمونی قوم غالب را تحت عنوان وحدت ملی بر دیگر اقوام تحمیل کند.

جنبش ملی مردم آذربایجان که با تکیه بر موازین حقوق بشر، به طرح مطالبات زبانی خویش می پردازد، علی رغم همه فشارها، تهدیدها، اختناقها، شکنجهها و زندانی شدن فعالان جنبش، همچنان به رشد و پیشروی خویش ادامه میدهد. این واقعیت نشان دهنده این مهم است که اندیشه و حقیقتی متعالی و بس عزیز در این جنبش وجود دارد که باعث گسترش کیفی و کمی آن می گردد.

سو دئییدیر منه اولده، آنام آب کی یوخ

سو دئییدیر منه اولده، آنام آب کی یوخ یوخو اویرتدی اوشاقلیقدا منه، خواب کی یوخ

ایلک دفعه کی چورک وئردی منه نان دئمه دی از لیندن منه دوزدانه نمکدان دئمه دی

آنام اختر دئمه بیدیر منه اولدوز دئییب او سو دوناندا، دئمه ییب یخ دی بالا بوز دئییب او

قاردئییب برف دئمه ییب دست دئمه ییب ال دئییب او منه هئجواخت بیا سؤیله مه ییب گل دئییب او

یاخشی خاطر لاییرام، یاز گونو آخشام چاغی لار باغچانین گون باتانیندا کی، ایلیق گون یاییلار

کل: دئییه ردی، داراییم باشیوی ای نازلی بالام! کلمه سن گر، باجیوین آستاجا زولفون دارارام

او دئمه زدی کی، (بیا شانه زنه بر سر تو) (گر نیایی بزنه شانه سر خواهر تو)

بلی، داش یاغسادا گویدن، سن او سان من ده بویام وار سنین باشقا آنان، واردی منیم باشقا آنام

اؤزومه مخصوص اولان باشقا ائلیم واردی منیم ائلیمه مخصوص اولان باشقا دلیم واردی منیم

ایسته سن قارداشی اولاق بیر یاشایاق بیر لیک ائدک وئریسن قول قولا بوندان سورا بیر یولدا گئدک

اولا، اؤزگه کولک لر له گرک آخمایاسان ثانیاً، وار لیغیما، خالقیما خور باخمایاسان

یوخسا گر زور دئییه سن ملتیمی خوار ائده سن کون گلر، صفحه چؤنر، مجبور اولارسان گئده سن



نشریه اجتماعی، فرهنگی، ادبی و خبری دانشجویان

دانشگاه زنجان سال دوم، شماره ششم بهمن 1387

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مرتضی مرادی

سر دبیر: رحمت اله بیات تبار